فارس

کشف ۱۱۷ کیلو تریاک در بازرسی از وانت نیسان

جانشین فرمانده انتظامی استان گفت: در بازرسی از یک وانت نیسان در کمربندی «سوریان» شهرستان بوانات، ۱۱۷ کیلو تریاک کشف و یک سوداگر مرگ نیز دستگیر شد.

سردار یوسف ملکزاده در گفت‌وگو با خبرنگار پایگاه خبری پلیس، بیان کرد: مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر شهرستان بوانات با اقدامات فنی و تخصصی، از تردد یک خودرو وانت نیسان حامل تریاک در کمربندی «سوریان» مطلع شدند. سردار ملکزاده افزود: مأموران سریعا به محل مورد نظر اعزام و ضمن استقرار ایست و بازرسی محسوس و نامحسوس، خودرو وانت نیسان را توقیف و موفق شدند در بازرسی از آن، ۱۱۷ کیلو تریاک کشف کنند. در این خصوص یک نفر دستگیر و تحویل مراجع قضائی شد.

دپو کالای قاچاق ۲۰ میلیاردی در کوه چنار لو رفت

جانشین فرمانده انتظامی استان از کشف ۲۰ میلیارد ریال انواع کالای قاچاق در شهرستان کوه چنار خبر داد.

سردار یوسف ملکزاده در گفت‌وگو با خبرنگار پایگاه خبری پلیس، بیان کرد: مأموران انتظامی شهرستان کوه چنار با اقدامات فنی و پلیسی از دپو کالای قاچاق در یک منزل مسکونی در یکی از محله‌های این شهرستان مطلع شدند و بررسی موضوع را به صورت ویژه در دستور کار خود قرار دادند. پس از هماهنگی با مقام قضائی، مأموران به محل مورد نظر اعزام و در بازرسی از آن مکان، ۴۰۰ دستگاه دریل، ۵۰ دستگاه سنگ فرز، ۲۰۰ عدد کلیه متعلقات اره برقی، ۱۶۰ دستگاه اتو تولید با متعلقات آن و ۵۴۰ عدد اره چوب بر خارجی قاچاق را کشف کردند.

سردار ملکزاده با اشاره به اینکه ارزش اموال مکشوفه توسط کارشناسان، ۲۰ میلیارد ریال اعلام شده است، گفت: در این رابطه یک نفر دستگیر و پس از تشکیل پرونده برای اقدامات قانونی تحویل مراجع قضائی شد.

دستگیری سارق دوچرخه و لوله های مسی اسپیلیت در شیراز

فرمانده انتظامی شیراز از دستگیری سارق و کشف ۲۰ فقره سرقت دوچرخه و لوله های مسی اسپیلیت خبر داد. سرهنگ فرج شجاعی در گفت و گو با خبرنگار پایگاه خبری پلیس، گفت: در پی وقوع چند فقره سرقت دوچرخه در شیراز، دستگیری سارق یا سارقان در دستور کار مأموران پلیس قرار گرفت.سرهنگ شجاعی افزود: مأموران کلانتری ۳۱ جنت این شهرستان با انجام اقدامات اطلاعاتی و فنی، موفق شدند یک نفر سارق را شناسایی و وی را در محلهایگاهش دستگیر کنند. فرمانده انتظامی شیراز با بیان اینکه پس از تحقیقات بـه عمل آمده، متهم به ۲۰ فقره سـرقت دوچرخه و لوله های مسی اسپیلیت در پشت بام‌های منازل اعتراف کرد، گفت: متهم پس از سیر مراحل قانونی روانه زندان شد.

کشف کود شیمیایی قاچاق در کوه چنار

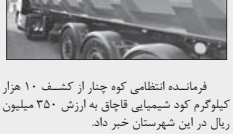

فرمانده انتظامی کوه چنار از کشف ۱۰ هزار کیلوگرم کود شیمیایی قاچاق به ارزش ۳۵۰ میلیون ریال در این شهرستان خبر داد.

بـه گـزارش خبرنـگار پایـگاه خـبری پلیس؛ سـرهنگ لطف‌الله محمدی گفت: در راستای مبارزه همـه جانبه با پدیده شـوم کالای قاچـاق، مأمورین انتظامی ایـن شـهرستان حین ایست و بازرسـی مقطعـی در محورهـای مواصلاتی، به یک دسـتگاه کامیون مظنون و آن را برای بررسـی بیشـتر متوقف کردنـد. این مقام انتظامی با بیـان اینکه مامـوران در بازرسـی از ایـن خـودرو، ۱۰ هـزار کیلوگـرم کود شـیمیایی قاچاق کشـف کردند، افزود: کارشناسان ارزش اموال کشف شـده را ۳۵۰ میلیون ریال اعلام کردنـد. در این خصوص یک نفر دسـتگیر و تحویل مراجع قضائی شد.

ضربه شمشیر سامورایی برای قتل دوست

پسـر جوان که دوستش را با شمشـیر سامورایی به قتل رسانده بود، در حالی پای میز محاکمه ایسـتاد که توانسته بود رضایت خانواده مقتول را جلب و از مجازات مرگ رهایی یابد.

رسیدگی به این پرونده از سال ۹۴ با گزارش نزاع در روستای پلایین از توابع بخش آفتاب شهرسـتان تهران آغاز شد. بلافاصله مأموران به محل حادثه اعزام شدند و پس از تحقیقات اولیه مشخص شد که درگیری میان دو جوان به نام‌های اکبر و دوسـت قدیمی‌اش ناصر رخ داده اسـت. اکبر که در این ماجرا به شـدت مجروح شـده بود، به بیمارسـتان منتقل شد اما به علت خونریزی شـدید جانش را از دسـت داد. در ادامه مأموران به سـراغ متهم فرار مقتول رفتند که از شاهدان درگیری بود. او به مأموران گفت: دو سـاعت پیش ناصر که از دوستان قدیمی پسـرم بود به در خانه‌مان آمد و با عربده‌کشـی پسـرم را از خانه بیرون کشـید و بعد با او درگیر شد و با شمشیری که همراهش بود، پسرم را کشت.

چند روز بعد ناصر که متواری شـده بود، با تلاش مأموران دسـتگیر شـد و در همان ابتـدا اتهام قتل را پذیرفت و گفت: قصدم کشـتن اکبر نبود. من و اکبر سال‌هاسـت که باهم دوسـت بودیم اما چند وقتی بود که باهم اختلاف پیدا کرده بودیم. آن شـب من مشروب خورده بودم و حالت طبیعی نداشتم. وقتی یاد اختلافم با اکبر افتادم نتوانسـتم خودم را کنترل کنم و با چند نفر از دوسـتانم به سـراغش رفتم و باهم درگیر شـدیم. در ابتدا او به من حمله کرد و من هم یک ضربه با شمشیر به او زدم. شمشیر خیلی کند بود بریدگی ایجاد نکرد. دوستانم هم چوب داشتند. با این حال در درگیری شـرکت نکردند. ضربه‌ای که من بـه کتف مقتول زدم، برنده نبود اما چند روز بعد فهمیدم که او فوت کرده است.

کیفرخواسـت علیه همه متهمان صادر و پرونده برای رسـیدگی به شـعبه ۱۰ دادگاه کیفری اسـتان تهران فرسـتاده شـد. در ابتدای جلسه رسیدگی کیفرخواست علیه متهم خوانده شد. سپس مادر مقتول به عنوان ولی دم در جایگاه قرار گرفت و گفت: پسر من تازه داماد بود، من از خون او نمی‌گـذرم و باید متهم قصاص شـود. در ادامه وکیـل مدافع متهم در جایـگاه قرار گرفـت و گفت: موکل من به قصد قتل وارد درگیری نشـده اسـت. ضربه‌ای که او وارد کرده ارادی و کشنده نبوده است. با این حال از اولیای دم درخواست برائت موکلم را دارم.

سـپس سه شرکت کننده در دعوا که با قرار وثیقه آزاد بودند یک به یک از خودشـان دفاع کردند. یکی از آنها گفت: من با ناصر رفاقت زیادی دارم و از او خواسـتم تا وارد دعوا نشـود اما او گوش نکرد و فقط به من گفت که اگر دسـت خالی بیایم، ممکن اسـت کشته شوم. به همین خاطر به داخل خانه رفتم و شمشیر سامورایی تزئینی را که روی دیوار اتاقم بود برداشتم و با آنها همراه شدم. وقتی وارد دعوا شدیم، ناصر شمشیر را از من گرفت و یک ضربه به کتف مقتول زد. بلافاصله سوار موتور شدیم و با هم فرار کردیم و صبح روز بعد فهمیدیم اکبر کشته شده است.

بعد از گفته‌های متهمان، هیئت قضات وارد شور شدند و متهم را به قصاص محکوم کردند. این در حالی بود که وکیل مدافع متهم درخواسـت بررسـی مجدد پرونده را در دیوان عالی کشور مطرح کرد. او گفت: در این پرونده اصلاً معلوم نیسـت ضارب موکل من باشد. شمشیر هم تزئینی بوده و به همین خاطر به نظر نمی‌رسد موکل من مرتکب قتل شده باشد.

دیوان عالی کشور بعد از بررسی پرونده اعلام کرد ایراداتی در پرونده وجود دارد که باید برطرف شود به این ترتیب پرونده با نقض حکم قصاص دوباره به دادگاه بازگردانده شد. درحالی که دادگاه در حال برطرف کردن نواقص پرونده بود، خانواده ناصر موفق شدند رضایت مادر مقتول را بگیرند. با توجه به رضایت اولیای دم این بار کیفرخواسـت به لحاظ جنبه عمومی جرم صادر شـد و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰ ارسال شد. متهم در جلسـه رسیدگی گفت: از کاری که کردم پشیمان هستم. اشتباه کردم.در پایان جلسه قضات برای صدور رأی از جنبه عمومی جرم وارد شور شدند.

گروگان گیری با رمل و اسطرلاب!

بیست و سوم دی سال ۹۸ در منطقه کوه سنگی مشهد سرنشینان یک دستگاه پراید، پزشک مشهدی را تا خیابان حکیم نظامی تعقیب کردند.

آن ها در تاریکی شـب این پزشـک میان سال را کـه پیاده به طرف منزلش در حرکت بود به زور داخل خـودرو انداختند و او را به مکان نامعلومی بردند. چند دقیقه بعد در شـریافطی که عقربه های سـاعت حدود ۹:۳۰ را نشـان می داد یک پزشـک متخصص زنان و زایمان با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و خبر ربوده شـدن شوهرش به دست افراد ناشناس را داد. او گفت: شوهرم که پزشـک عمومی اسـت از خط تلفن خودش با من تماس گرفت که افرادی او را ربوده اند و من باید ۲۰۰ سکه طلا برای آزادی اش فراهم کنم!

این زن ادامه داد: در همین حال مردی ناشـناس گوشـی تلفن را از دست همسـرم چنگ زد و مرا تهدید کرد که فقط باید ۲۰۰ سـکه طلا برایشـان تهیه کنم تـا بعد با من تمـاس بگیرند! در پی گـزارش ماجرای آدم ربایی، بلافاصله نیروهای انتظامی مشهد وارد عمل شدند و باتوجه به اهمیت موضوع، پیگیری این پرونده به گروه تخصصی کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی سپرده شد.

در حالی که عملیات ردیابی و رصدهای اطلاعاتی آغاز شده بود، همزمان آموزش های لازم برای برخورد و نحوه پاسخ گویی خانواده گروگان به تماس های آدم ربایان توسـط کارآگاهان ارائه شـد تا خونسردی خود را هنـگام گفت و گو با گـروگان گیران حفظ کنند. از سـوی دیگر نیز حفظ جان گروگان مهم تر از سـرعت عمـل پلیس در این پرونده آدم ربایی بود و کارآگاهان باید طوری غیرمحسـوس عمل می کردند که گروگان گیران متوجه حضور پلیس در ماجرا نشـوند به همین دلیـل کارآگاهان برای شناسـایی مخفیگـاه گروگان گیران به همکاری سـربازان گمنام امـام زمان(عج) نیاز داشتند.

این گونه بـود که گروهی از نیروهـای اداره کل اطلاعات خراسـان رضوی به یـاری کارآگاهان پلیس آگاهی آمدند و با اسـتفاده از شـیوه هـای اطلاعاتی وارد عمـل شـدند. همزمـان با رصدهـا و پایش های اطلاعاتی، بررسـی های میدانی کارآگاهان مشـخص کرد پزشک میان سال (گروگان)، در شیفت بعدازظهر منشی نداشت و همچنین با اتوبوس یا مترو به منزلش مـی رفـت بنابرایـن آدم ربایی باید در همین مسـیر ترد پزشک عمومـی، عملیات وارد مرحله جدیدی شـد تا این که دوباره گروگان گیران با همسـر پزشـک مذکور تماس گرفتند و ادعاهای خود را تکرار کردند.

ایـن در حالی بـود که ردیابی هـای اطلاعاتی از حضـور آدم ربایان در منطقه کهریزک سـبز مشـهد و در نزدیکی یک روسـتا حکایت داشـت. از طرف دیگر شناسـایی افراد متـوکلی که به مطب پزشک رفت و آمد داشـتند یا با او در ارتبـاط بودند، کارآگاهان را به سـوی مردی کشاند که در سال های گذشته به عنوان راننده در خدمت دکتر بود!

شاخه دیگری از فعالیت های اطلاعاتی کارآگاهان که در مسیر ردپای پزشک متمرکز شده بود، نشان داد وی با یک دستگاه پراید ربوده شده است که مشخصات خودروی مذکور با خودروی پراید دختر راننده سـابق پزشـک گروگان مطابقت داشـت. در حالی که بررسی های میدانی درباره راننده مذکور ادامه داشـت، سرنخ هایی از پسـر راننده به نام رضا به دسـت آمد که مردی معتـاد و بیکار اسـت! همیـن اطلاعات کافـی بود تا عملیات پلیس در این باره متمرکز شود به همین دلیل کارآگاهان بلافاصله با صدور دسـتورات ویژه، به سراغ دختر راننده سابق پزشک رفتند.

آن ها در یک عملیات اطلاعاتی و نامحسـوس به سـرنخ هایی مهم از کلاف پیچیده ماجرای آدم ربایی رسـیدند که نشـان می داد ماجرا داستانی نیمه ساز در شـهرک شـهید رجایی دارد، چند ساعت بعد با همـکاری صمیمانه سـربازان گمنام امـام زمان(عج) در اداره کل اطلاعـات خراسـان رضـوی، کارآگاهان مخفیگـاه مذکـور را در حالـی شناسـایی کردند که بـرای عملیات پلیس در این باره متمرکز شود به همین دلیل کارآگاهان بلافاصله با صدور دسـتورات ویژه، به سراغ دختر راننده سابق پزشک رفتند.

آن ها در یک عملیات اطلاعاتی و نامحسـوس به سـرنخ هایی مهم از کلاف پیچیده ماجرای آدم ربایی رسـیدند که نشـان می داد ماجرا داستانی نیمه ساز در شـهرک شـهید رجایی دارد، چند ساعت بعد با همـکاری صمیمانه سـربازان گمنام امـام زمان(عج) نیاز داشتند.

مشـهد آغاز شـد و نیروهای دایره مبارزه با آدم ربایی پلیـس آگاهی نیمه شـب وارد سـاختمان نیمه سـاز شـدند و دو عضـو باند گـروگان گیـری را در همین منزل مسـکونی به دام انداختنـد. این درحالی بود که پزشـک مذکـور با دسـت و پاهای بسـته و در طبقه دوم سـاختمان به طور اسـفبارای نگهداری می شـد. وقتـی کارآگاهان، پزشـک را نجات دادند و دسـت و پاهایش را گشـودند هنوز باور نمـی کرد که پلیس به یاری او شتافته است.

کارآگاهان بلافاصله عملیات را برای دسـتگیری نفر سوم باند ادامه دادند و او را نیز در منزلی در همان اطراف به دام انداختند. کشف گوشی گروگان در جاده کمربنـد سـبز مشـهد نیز بیانگر آن بود کـه گروگان گیران گوشـی تلفن همـراه پزشـک را در کنار جاده مخفـی کـرده بودند و هر بـار از همان مـکان تماس می گرفتند.

در همیـن حال سـه متهم ایـن پرونده که رضا ۳۶ سـاله، علی ۳۰ سـاله و عماد ۳۱ ساله بودند برای انجام تحقیقات بیشـتر به مقر انتظامی هدایت شدند و در بازجویی ها به جرم خود اقرار کردند. آن ها نیز آدم ربایی به قصد اخاذی را به گردن گرفتند و مدعی شدند که با وسوسـه های رضا دسـت به آدم ربایی زده اند. با پایـان مراحل تحقیقات، کیفر خواسـت متهمان در دادسـرای عمومی و انقلاب مشـهد صادر شـد و این پرونده با توجه به اهمیت و حساسیت خاصی که داشت با نظر مدیران قضایی اسـتان در شـعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسـان رضوی مورد رسیدگی دقیق قرار گرفت. درجلسات محاکمه متهمان به صراحت ارتکاب جـرم را پذیرفتند و از همان جلسـه اول که پای میز محاکمه ایسـتادند به سـوالات تخصصی قضات پاسخ دادند.

رضا جوان ۳۶ سـاله در پاسـخ به سـوال قاضی که چگونه به نقشـه آدم ربایی رسـیدی؟ گفت: پدرم راننده دکتر (گروگان) بـود ولی برخی از روزهایی که پدرم کاری داشـت من به جای او پزشـک را با خودرو به منزلش می رسـاندم. در مسـیر حرکت زمانی که با یکدیگـر گفت وگو می کردیم از او قیمت ارز و سـکه سـخن می گفت یا مرا نصیحت می کرد که طلا بخرم! به همین دلیل فکر می کردم او باید سـکه های طلای زیادی داشته باشد!

از همـان موقـع چنـد بار وسوسـه شـدم که با همدسـتی عماد و علی دسـت به آدم ربایی بزنیم ولی شـرایط مهیا نمی شـد تا این که دوباره در سـال ۹۸ همین وسوسـه به سراغم آمد و این بار نقشه خودمان را عملی کردیم. او همچنین در پاسـخ به سوال قاضی که پرسـید آیا برای گروگان گیری با افراد دیگری هم مشـورت کردید؟ گفت: بلهٔ سـه نفری نزد یک رمال رفتیـم تا آینده را پیـش بینی کنـد البتـه درباره این موضـوع که قصـد چه کاری را داریم به رمال چیزی نگفتیم. او هم گفت که فقط یک نفر از شما حرف بزند که در این میان «عمـاد» صحبت کرد و با تایید رمال که کار خوبی اسـت اطمینان پیدا کردیم و نقشه را به اجرا گذاشتیم!

متهمـان دیگـر پرونده نیـز هرکدام به تشـریح بخشی از ماجرای آدم ربایی پرداختند و گفتند که قرار بود ۲۰۰ سکه بهار آزادی از همسـر دکتر بگیریم و بین خودمان تقسـیم کنیم ولی همسـر دکتر مدعی بود که بیشـتر از ۵۰ سکه نمی تواند تهیه کند به همین دلیل ما دچار مشـکل شـده بودیم و نمی توانسـتیم گروگان را آزاد کنیـم تـا این کـه ۹ روز بعـد کارآگاهان ما را دسـتگیر کردند. ما او را شکنجه نکردیم، حتی برایش هیتر برقی آوردیم که از آن سوز سرمای زمستان دچار بیماری نشود و ...

این گزارش حاکی است با پایان یافتن جلسـات دادگاه، قضـات با تجربه شـعبه ششـم دادگاه کیفری یک خراسـان رضوی با توجه به همکاری و اقرار صریح متهمـان در مراحل رسـیدگی به پرونـده و همچنین با اسـتفاده از قانون کاهش حبـس تعزیری، هریک از متهمـان به آدم ربایـی را به تحمل ۹ سـال زندان و پرداخت دیه محکوم کردند.

رای صادرشـده از سـوی دادگاه قابـل فرجـام خواهـی اسـت و متهمان مـی تواننـد بـه رای مذکور اعتراض کنند.

فارس

کشف فلزیاب قاچاق ۲ میلیاردی توسط پلیس قیروکارزین

فرمانـده انتظامـی قیروکارزیـن از کشـف یـک دسـتگاه فلزیـاب قاچـاق به ارزش ۲ میلیارد ریال در این شهرستان خبر داد.

بـه گـزارش خبرنـگار پایـگاه خـبری پلیس؛ سـرهنگ حمیدرضا صالحی فـرد در تشـریح ایـن خبـر گفت: مامـوران پلیس آگاهی شهرسـتان قیروکارزین حیـن کنتـرل محورهـای مواصلاتـی، بـه یـک دسـتگاه پژو ۴۰۵ مشـکوک و آن را برای بررسـی بیشـتر متوقف کردند.

فرمانده انتظامی شهرستان قیروکارزین با بیان اینکه در بازرسـی از این خودرو، یک دسـتگاه فلزیاب قاچاق کشـف شـد، عنوان کرد: در این خصوص یک نفـر دسـتگیر و بـا تشـکیل پرونده تحویـل مراجع قضائی شـد. سـرهنگ صالحی‌فرد با بیان اینکه برابر نظـر کارشناسـان ارزش اموال مکشـوفه، ۲ میلیارد ریال برآورد شـده اسـت، تصریح کرد: برخورد قاطع با قاچاقچیان در دسـتور کار انتظامی این فرماندهی است.

کشف کالای قاچاق در فیروزآباد

فرمانده انتظامی شهرسـتان فیروزآباد از کشف انـواع کالای قاچـاق بـه ارزش یک میلیـارد و ۸۵۰ میلیـون ریال خبر داد.سـرهنگ مهـدی جوکار در گفت‌وگو با خبرنگار پایگاه خبری پلیس، اظهار کرد: در راسـتای اجرای طرح تشدید مبارزه با قاچاق کالا و بـه منظور جلوگیـری از هدر رفت سـرمایه های ملی، مامـوران انتظامی شهرسـتان فیروزآباد هنگام کنترل محورهای مواصلاتی، روز گذشـته ۳ دستگاه خودرو سبک را متوقف کردند.وی افزود: ماموران در بازرسـی از این خودروها، ۵ هـزار و ۷۰۰ عدد انواع لوازم بهداشـتی و آرایشـی، ۳۰۰ عدد لوازم جانبی خودرو، یک هزار و ۲۲۰ عدد نوشـیدنی و ۳ دستگاه لباسشـویی قاچاق که فاقد مدارک قانونی و گمرکی بـود را کشـف و در این خصوص ۴ نفر را دسـتگیر کردند.

فرمانـده انتظامـی شهرسـتان فیروزآبـاد بـا بیـان اینکـه ارزش محموله‌هـای قاچـاق برابر نظر کارشناسان، یک میلیارد و ۸۵۰ میلیون ریال برآورد شـده اسـت، افزود: متهمان پس از تشـکیل پرونده مقدماتی برای سـیر مراحل قانونی به مراجع قضائی معرفی شدند.

کلاهبرداری میلیونی با وعده فروش تجهیزات کشاورزی

فرمانده انتظامی فسـا از شناسایی و دستگیری فردی خبر داد که از طریق آگهی فروش تجهیزات کشـاورزی در فضای مجـازی، ۷۰۰ میلیـون ریال کلاهبـرداری کرده بود. سـرهنگ فرج رسـتمی در تشـریح این خبـر، اظهار کرد: در پـی ارجاع پرونده قضائی بـا موضوع کلاهبرداری از طریق وعده فروش تجهیزات کشـاورزی در فضای مجازی، رسیدگی به موضوع توسط کارشناسان پلیس فتا آغاز شد.

در تحقیقـات اولیه مشـخص شـد شـاکی با مشـاهده آگهی فروش تجهیزات کشاورزی در سایت دیـوار، مبلـغ ۷۰۰ میلیون ریال بابـت خرید آن به حساب اعلام شده واریز کرده در حالیکه کالای مورد نظر تحویل نشـده و شماره تلفن موجود نیز پاسخگو نیسـت. این مقـام انتظامـی گفت: پـس از تکمیل تحقیقات از شاکی و اقدامات فنی، افسران پلیس فتا موفـق به شناسـایی متهم شـدند و در یک عملیات ضربتی وی را در مخفیگاهش دسـتگیر کردند. متهم با تشکیل پرونده روانه دادسرا و وجه کلاهبرداری نیز به حساب شاکی واریز شد.

اتفاق

سقوط هواپیما تک موتوره در اطراف فرودگاه آزادی

ایسنا: رئیس مرکـز اورژانـس و فوریت‌های پزشـکی البرز از سـقوط یـک هواپیمـا در اطراف فرودگاه آزادی نظرآباد خبر داد.

مهرداد بابایی گفت: ساعت ۸:۰۸ صبح جمعه چهـارم مهرماه سـقوط یـک فونـد هواپیمای تک موتـوره در فـرودگاه احمدآباد نظرآبـاد بـه اورژانس البرز اعلام شـد. وی ادامه داد: بلافاصله دو دسـتگاه آمبولانـس و یک فروند بالگرد اورژانس البرز به محل حادثه اعزام گردید.بابایی افزود: اقدامات اولیه درمانی توسـط تکنسین های اورژانس برای مصدومین انجام گرفت.

وی خاطرنشان کرد: برای انتقال هرچه سریعتر مصدومیـن بـا توجه به شـدت جراحـات وارده دو مصدوم آقای این حادثه توسـط بالگرد به بیمارستان منتقل شدند.

فریادهای داماد عصبانی بعد از قتل

عصر دوشـنبه رهگذرانی که از خیابانی در شـهرک ولیعصر تهران عبور می‌کردند، با شنیدن صدای فریادهای مرد جوانی که با لباس‌های خونی روی پالکن طبقه چهارم یک ساختمان ایسـتاده بود و می‌گفت: «آهای مردم، من آدم کشتم! با پلیس تماس بگیرید.» وحشت زده توجه‌شان به وی جلب شد.

دقایقـی پـس از این ماجرا مأموران کلانتری ۱۵۳ شـهرک ولیعصر در محل حاضر شـدند. با ورود مأموران به آپارتمـان طبقه چهارم، آنها با صحنه وحشـتناکی مواجه شدند. اجسـاد خونین مردی ۵۳ ساله و زنی ۴۸ ساله در اتاق پذیرایی افتاده بود آنها با ضربات متعدد چاقو به قتل رسـیده بودند. زن ۲۴ سالهای نیز که به سختی نفس می‌کشید و به شدت از وی خون می‌رفت، در نزدیکی اجساد قرار داشت.

با مشاهده این صحنه، پس از هماهنگی‌های قضایی مرد جوان دستگیر و بدن نیمه جان زن مجروح به بیمارستان منتقل شد و لحظاتی بعد نیز بازپرس ساسان غلامی به همراه تیم بررسی صحنه جرم راهی محل جنایت شدند.

بررسی‌ها نشان می‌داد که اجساد متعلق به مادرزن و پدرزن متهم است و زن جوانی که در این رابطه مجروح شده بود، همسر متهم بوده است. متهم کـه مردی ۳۰ سـاله و مأمور یکـی از ارگان‌های نظامی است، در تحقیقات بـه قتل اعتراف کـرد و گفت: من پدر و مادر همسـرم را زدم؛ عصبانی بودم، نفهمیدم چه کار می‌کنم، زنم را هم زدم.

وی وقتـی در برابـر بازپرس قرار گرفـت، گفت: با برادر همسـرم مینا، دوسـت و همکار بودم. از طریق او با مینا آشـنا شـدم و دو سال قبل ازدواج کردیـم. پدر مینا صاحب این خانـه ۴ طبقه بود. بعد از ازدواج، پدرزنم طبقه چهارم را در اختیار ما قرار داد و مادرزن و پدر زنم در طبقه دوم ساکن بودند.

متهم ادامه داد: در این دو سـال با همسـرم اختلاف داشـتم اما خیلی جدی نبود. با این حال چون با پدرزن و مادر زنم ساکن یک ساختمان بودیم، سـر و صدای دعـوای ما را می‌شـنیدند و گاهی اوقات هم همسـرم جزئیات دعواهـای ما را به آنها خبر می‌داد. خیلی زیاد در زندگی ما دخالت می‌کردند. هر چه می‌شـد، به آنها می‌گفت و من دیگر از این دخالت‌ها خسته شده بودم و نمی‌توانستم تحمل کنم.

صبـح روز حادثـه مینا به من گفت می‌خواهـد دندان‌هایش را ایمپلنت کند و برای این کار نیاز به پول دارد. به او گفتم از نظر مالی الان در شرایطی نیسـتم که بتوانم این هزینه را پرداخت کنم. اجازه بده ببینم برادرت می‌تواند این مبلغ را به من قرض بدهد. مینا با شـنیدن این حرف عصبانی شد و گفت مگر من با برادرم ازدواج کردم، اگر پول نداری چرا ازدواج کردی؟ شروع به بد و بیراه گفتن به من کرد و صبح روز حادثه سـر همین مسئله باهم دعوایمان شد بعد مینا خانه را برای رفتن به محل کارش ترک کرد.

متهم در ادامه گفـت: همسـرم در بیمارسـتان کار می‌کرد. من که از دست او خیلـی عصبانی بودم سـاعتی بعد به محل کارش رفتم و شـروع به داد و فریاد و فحاشـی کردم. کار به جایی رسـید که حراست بیمارستان مرا از آنجا بیرون انداخت و من را هم راهی خانه شدم. به دنبال من، مینا که از این ماجرا خیلی عصبانی شده بود محل کارش را ترک کرد و به خانه آمد.

مینا و مادرش وارد خانه شدند و مادرش با دیدن من شروع به سرزنشم کرد که چرا به محل کار مینا رفتم‌ام و آبروریزی کرده‌ام. دعوا بار دیگر شـروع شـد و در همین حین، پدرزنم که در طبقه دوم بود با شـنیدن صدای جر و بحث ما خود را به واحد محل سـکونت‌مان رسـاند. او زمانی که متوجه ماجرا شـد، چند سـیلی به صورت من زد. از ایـن رفتار پدرزنم بشـدت ناراحت و عصبانی شدم، واقعاً نمی‌فهمیدم چکار می‌کنم. در یک لحظه چاقویی برداشته و به آنها حمله کردم. ابتدا پدرزنم و بعد از آن مادرزنم را کشـتم. همسـرم که با دیدن این صحنه‌ها، تلاش می‌کرد جلوی مرا بگیرد در این ماجرا چند ضربه خورد. واقعاً نمی‌فهمیدم چکار می‌کنم و بعد از آن هم به بالکن رفتم و با فریاد از مردم کمک خواسـتم. تحقیقات در این خصوص به دسـتور بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی پایتخت ادامه دارد.

نجات معجزه آسای سه کارگر افغان از مرگ پس از سقوط از چاه

کشف محموله قاچاق ۲ میلیارد ریالی در دنا

متلاشی شدن باند پوششی قاچاق مواد مخدر در جیرفت

۲ نفر در یک سانحه رانندگی در اهواز کشته شدند